

خسارات حاصله از عدم انجام تعهدات

راجع بضرر و زیان و خسارات میتوان در ذیل چند مبحث صحبت کرد که از آنجمله است خسارات ناشی از عدم انجام تعهدات - خسارت ناشی از تأخیر در انجام تعهدات خسارت تأخیر تأدیه خسارات ناشی از جرم (خلاف و جنحه و جنایت) - خسارات ناشی از شبه جرم (غصب - اتلاف - تسبیب) - خسارات حاصله از دادرسی و احقاق حق .

ما در این مقاله راجع بخسارات حاصله از عدم انجام تعهدات با توجه بقوانین ایران و فرانسه و مخصوصاً رویه قضائی هر دو کشور اختصاراً بحث میکنیم و بحث در مورد عناوین دیگر را بفرصت بهتر موکول میداریم .

« بحث لغوی »

کلمه خسارت در قوانین و رویه قضائی دارای دو معنی و دو حقیقت اصطلاحی است ۱ - خسارت بمعنی ضرر وارده ۲ - خسارت بمعنی ترمیم و جبران ضرر وارده . حقوقدانان عموماً متذکر این دو معنی شده اند و در عرف محاوره هم خسارت زدن و خسارت پرداختن انعکاس دو معنی مزبور است .

خسارت بمعنی اول را میتوان با کلماتی از قبیل زیان - ضرر - ضرر و زیان تعبیر کرد و برای خسارت بمعنی دوم هم بعضی کلمه غرامت را بکار برده اند و آن اصطلاحی است که در فقه نیز بهمین معنی استعمال شده و در لغت فارسی معادل لفظ تاوان است . اما بعقیده ما چون کلمه غرامت در مورد جریمه و جزای نقدی در امور کیفری استعمال میشود شاید با خسارت بمعنی ترمیم و جبران ضرر وارده در امور مدنی معادل نباشد لذا از رویه متداول عدول نکرده و خسارت را بپردو معنی استعمال میکنیم .

خسارت بمعنی ضرر وارده بردونوع است یا ضرر مادی وارده است که آن را خسارت مثبت نیز نامند و یا تفویت منافع متصوره است که آنرا خسارت منفی و یا شایعتر و معمولی تر عدم النفع مینامند پس خسارت یا ضرر است یا عدم النفع .

در حقوق و قوانین فرانسه برعکس قوانین ما دو معنی جداگانه کلمه خسارت هر یک لفظ و بلکه الفاظ علیهمه دارند . خسارت وارده با الفاظ *dommages-interêts*, *préjudice*, *dommage* و جبران خسارت با کلمات *indemnisation*, *reparation*, *compensation* تعبیر و بیان شده است و باید اضافه شود که در قوانین مربوطه راجع بخسارات حاصله از عدم انجام تعهدات تحت عنوان *Dommages et interêts* و راجع

بخسارات محاکمه تحت عنوان هزینه دادرسی frais et depeas بحث بعمل آمده است و نیز خسارت بمعنی ضرر و اراده لفظ مرکب La perte éprouvée و برای خسارت بمعنی منفعت فوت شده یا عدم النفع کلمه مرکب le gain manqué بکار برده شده است.

خسارات حاصله از عدم انجام تعهدات طبق قوانین ایران

راجع بخسارت حاصله از عدم انجام تعهدات در قوانین ما مقرراتی در مواد ۲۲۱ و ۲۲۶ تا ۲۳۰ قانون مدنی و مواد ۷۱۲ و ۷۲۸ آئین دادرسی مدنی وضع شده است که اینکه مورد استناد و عمل دادگاههاست.

تعهد بردونوع است: انجام امر و یا خودداری از انجام امر - پرداخت وجه و یا تسلیم مال و در هر صورت اگر کسی تعهدی نماید و در نتیجه عدم ایفاء تعهد خسارتی بطرف وارد شود باید از عهده خسارت مزبور برآید چنانکه ماده ۲۲۱ قانون مدنی صراحتاً مقرر داشته است که « اگر کسی تعهد اقدام یا مری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند در صورت تخلف مسئول خسارت طرف مقابل است مشروط بر اینکه جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد عرفاً بمنزله تصریح باشد. »

پس تعهدات ناشی از قرارداد باید انجام شود و اجبار بانجام تعهد (Contrainte) یا (Astreinte) از امور مسلم قضائی است ولی معمولاً طرفین قرارداد برای جلوگیری از عدم انجام تعهد و ضمانت اجرائی شرائطی از جمله شرط وجه التزام (clause comminatoire) وارد میکنند که موجب اجبار متعهد برای انجام تعهد بوده و در صورت تخلف خسارت طرف را تأمین نماید.

معمولاً چنین است که اگر کسی از انجام تعهد سر باز زند متعهدانه وجه التزام مورد قرارداد را مطالبه میکند و قصد انشائی طرفین هم اینست که تالی فاسد عدم ایفاء تعهد همان خسارت وجه التزام باشد و بر روی همین فکر است که شعبه ۶ دیوان کشور هم در رأی شماره ۲۹۰۷ - ۲۵/۹/۲۵ چنین مقرر داشته: « اگر کسی طبق ورقه ای بطور تعهد ابتدائی متعهد شود که فلان روز در دفتر رسمی برای تنظیم اجازه نامه بنحو مقرر در ورقه مزبور حاضر گردد و در صورت تخلف از این مراتب مبلغی بطرف بدهد نظر بر اینکه در ضمن تعهد خسارت متصوره از عدم انجام پیش بینی و معین گردیده دیگر حتی برای متعهدله جز وجه التزام مقرر موجود نخواهد بود. »

پس میبینیم که دیوان کشور رویه مادی معاملات و قصد طرفین را در مورد خسارت عدم ایفاء تعهد منعکس کرده است و مستفاد از ماده ۲۳۰ قانون مدنی هم غیر از این چیز دیگر نیست ولی قابل دقت است که همزمان با صدور رأی فوق حکم دیگری از شعبه ۷ دیوان کشور صادر گردیده که درست برعکس نظر فوق است و اینکه حکم مزبور که بشماره ۲۵۴۴ - ۱۳۲۱/۸/۱۲ میباشد: « اگر طرفین تعهد مقرر دارند که در مدت معینی در دفترخانه رسمی برای تنظیم سند و ثبت در دفتر حاضر شوند و متعهد شوند که

در صورت تخلف هر یک از آنها متخلف مبلغی بدیگری بدهد تعیین این وجه التزام مانع الزام با اجرای قرارداد و تنظیم سند معامله نخواهد بود. »

تردید نیست که وجه التزام معمولاً در مورد « تعهد بانجام امر » یا « تعهد بخودداری از انجام امر » معمول و معتبر است ولی اگر موضوع تعهد « پرداخت وجه » یا « تسلیم مال » باشد قضیه حکم دیگر پیدا میکند و در این مورد مثلاً اگر وجه التزام جانشین خسارت تأخیر تأدیه باشد در اینصورت طبق صریح ماده ۷۱۹ دیگر وجه التزام از حیث مقدار معتبر نیست زیرا همین ماده مقرر میدارد که « خسارت تأخیر تأدیه معادل صدی ۱۲ محکوم به در سال است و اگر علاوه بر این مبلغ قراردادی به عنوان وجه التزام یا مال الصلح یا مال الاجاره و هر عنوان دیگری شده باشد در هیچ مورد بیش از صدی ۱۲ در سال نسبت بمدت تأخیر حکم داده نخواهد شد. »

خلاصه آنکه در مورد خسارت تعهد انجام یا عدم انجام امر وجه التزام مقرر معتبر و در مورد خسارت عدم پرداخت وجه صدی ۱۲ مقرر در قانون لازم الاتباع است و در مورد خسارت عدم تسلیم مال اعم از منقول و غیر منقول اجرت المثل تعلق خواهد گرفت. »

جبران زیان وارده و عدم النفع مطابق قوانین ایران

در مورد جبران زیان وارده تردیدی نیست ولی در عدم النفع باید قائل بتفصیل بود یعنی بعضی از عدم النفع هائیکه بمنزله ضرر مادی وارده است و باید جبران و ترمیم شود مثل اینکه اگر مال التجاره را در موقع مقرر تحویل میداد فلان مبلغ از فروش آن نفع حاصل میشد و چون در موقعی که تحویل داده یا مجبور بتحویل شده تنزل کرده تفاوت قیمت قابل مطالبه است یعنی منافع متصوره که تحقق خارجی پیدا کرده بوسیله متعهد متخلف تفویض شده است و باید خسارت آنرا بپردازد چنانکه در ذیل ماده ۷۲۸ قانون آئین دادرسی مدنی این موضوع صریحاً قید شده است : « ضرر ممکن است بواسطه فوت شدن منفعتی باشد که از انجام تعهد حاصل میشده است. »

همچنین از مقوله تفویض منافع محتمله موردی است که یکنفر کسی را از استیفاء منافع بوسیله کار و یا شغل خود باز دارد و میزان آن قبلاً معلوم باشد مثل اینکه کسی یکنفر کارمند دولت و یا کارگر مزدور و یا هنرمند صنعتگری را که روزانه عواید مشخص و معلومی از اشتغال بشغل و کار و هنر خود دارند از کارمانع شود مثلاً بوجوب توقیف بدون سبب وی گردد باید به نسبت حقوق و مزد و عایدی ایام ممانعت از استیفاء خسارت بپردازد چنانکه رأی شماره ۳ مورخ ۲۸/۱/۶ شعبه دیوان کشور چنین مقرر داشته است « خسارتی که بعنوان تضییع از توقیف در زندان و عدم استفاده از شغل مطالبه میشود دعوی اصلی محسوب است و مثل سایر دعاوی راجع به ضمانات قهری است. »

ولی ادعای اینکه اگر بدهی خود را در موقع مقرر میپرداخت بر اثر تجارت با آن منافی حاصل میشد این نوع ضرر از مقوله عدم النفع قابل مطالبه نیست الا اینکه

میزان قانونی عدم النفع بصورت ضررمادی وارده در خسارت تأخیر منعکس و مجسم گردیده است و قانونگذار چنین گفته است که منافع متصوره و سود حاصله ضریب معین صدی ۱۲ در سال است که بیشتر از آن عدم النفع غیر قابل مطالبه است.

خسارت ناشی از عدم انجام تعهدات طبق قوانین فرانسه

حال به بینیم خسارت ناشی از عدم انجام تعهد در حقوق فرانسه به چه نحو است و چه رابطه و نسبتی با حقوق ایران دارد.

مفهوم اصطلاح حقوقی خسارت عبارتست از ضرر و زیان وارده بر متعهدله از طرف متعهد و زیان وارده بر مجنی علیه از طرف مجرم. خسارت وارده بر متعهدله یا در نتیجه نفس عدم انجام تعهد است که جبران آنرا *Compensatoire* مینامند و یا در نتیجه تأخیر در انجام تعهد است که جبران آنرا *moratoire* مینامند.

در قسم اول وضع متعهد در برابر متعهدله از دو جهت قابل مطالعه است که یکی اجبار به انجام تعهد و دیگری الزام به پرداخت خسارت حاصله از عدم انجام آن است. و اگر چنانکه جزئی از تعهد انجام شود نسبت به بقیه اجبار ناشی از قانون *Contrainte légale* و الزام ناشی از قرارداد *Contrainte Contractuelle* اجرا میشود. ماده ۱۱۴۲ قانون مدنی فرانسه در مورد خسارت ناشی از عدم انجام تعهد چنین مقرر داشته است: « در صورتیکه تعهد انجام یا خودداری از انجام امری که از طرف متعهد ایفاء نشود متعهدله استحقاق خسارت دارد. »

در قسمت دوم خسارت تأخیر در انجام تعهد نیز بموجب قانون با قرارداد مسلم است اما در مورد تعهدات پولی نرخ معینی برای خسارت دیرکرد در نظر گرفته شده است و ماده ۱۱۴۷ قانون مدنی چنین مقرر داشته که « اگر متعهد تعهد خود را انجام ندهد یا در انجام آن تأخیر نماید محکوم به پرداخت خسارت متعهدله خواهد شد مگر اینکه اثبات کند که با وجود علاقه و حسن نیت کامل انجام تعهد یا تأخیر در انجام آن ناشی از علتی بوده که قدرت دفع آنرا نداشته است. »

پس موضوع تعلق خسارت فقط در موقعی است که عدم ایفاء یا تأخیر در ایفاء ناشی از سوء نیت متعهد باشد.

بنا بر این هر موقع که عدم انجام تعهد مسلم گردید و انجام آن بوسیله متعهد امکان پذیر نشد محکمه میتواند انجام تعهد را با هزینه محکوم علیه عملی سازد و یا اینکه مال مورد تعهد را به خرج وی تهیه و به محکوم له تسلیم نماید.

علاوه بر تعهد موضوع قرارداد که عدم انجام و یا تأخیر در انجام آن موجب خسارت و مستوجب رفع زیان است امور زیر نیز مستلزم جبران ضرر و زیان وارده میباشد.

۱ - اقدام به عمل خسارت آمیز چنانکه ماده ۱۳۸۳ قانون مدنی در این مورد چنین مقرر داشته است « هر کس عملی انجام دهد که موجب خسارت غیرشود باید آنرا جبران کند. »

خسارات حاصله

۲ - بی احتیاطی و بی مبالاتی " imprudence et témérité " چنانکه مطابق ماده ۱۳۸۳ قانون مدنی « اگر کسی بر اثر بی احتیاطی و بی مبالاتی موجب تضییع غیرشود باید از عهده خسارت وارده برآید. »

۳ - ایجاد خسارت از طرف افراد یا اشیاء مربوط به شخصی که در این مورد ماده ۱۳۸۴ مقرر داشته است « شخص نه تنها مسئول خسارت وارده از طرف خود است بلکه مسئول خسارت وارده از طرف افرادی که تحت مواظبت وی و اشیائی که در تصرف وی هستند نیز میباشد. »

۴ - ایراد ضرر از ناحیه حیوان متعلق به شخص که در این مورد ماده ۱۳۸۵ میگوید « صاحب حیوان مسئول خسارت وارد از طرف آن است اعم از اینکه تحت قید وی و یارها باشد. »

۵ - ورود خسارت از طرف ساختمان و یا بنا متعلق بشخص که ماده ۱۳۸۶ تکلیف آنرا بشرح زیر تعیین کرده « مالک ساختمان و بنا مسئول خسارات وارده از خرابی عمارت میباشد بشرط اینکه قصور از مواظبت یا عیب ساختمانی باشد. »

شرایط مطالبه خسارت عدم ایفاء تعهد در قوانین ایران برای آنکه متعهد مکلف است پرداخت خسارات ناشیه از عدم انجام تعهد باشد باید شرائط پنجگانه زیر موجود باشد :

۱ - وجود خسارت

۲ - توجه آن به متعهد له

۳ - اختیار و آزادی متعهد در عدم ایفاء تعهد

۴ - حلول موعد انجام تعهد

۵ - تصریح در عقد یا عرف

و بعلاوه شرائط فوق خسارت باید مورد مطالعه قرار گیرد چنانکه حکم شماره ۹۳۳ مورخ ۱۷/۴/۲۱ شعبه ۳ دیوان کشور مقرر داشته است که « بدون مطالبه خسارت رأی پرداخت آن نباید داد. »

پس با واجد بودن شرایط فوق خسارت از نوع زیان مادی وارده یا سود محتمله قابل مطالبه و حکم است و تأخیر در مطالبه نیز مادامی که مشمول مقررات مرور زمان مربوطه نگردیده دلیل عدم استحقاق نیست چنانکه حکم شماره ۲۴۶۹-۱۹/۷/۲۹ دیوان کشور این معنی را تصریح کرده است « فاصله چند ماه در مطالبه مورد تعهد دلیل انصراف متعهد له نیست. »

از نظر اثبات و اجراء نیز طبق قاعده البینه للمدعی اثبات تخلف که موجب خسارت و مجوز رفع آن میباشد و نیز اثبات کمیت و کیفیت و رابطی سببیت و منشاء خسارت بعهد من له الحق است چنانکه در حکم شماره ۲۶۷۳ ۱۶/۹/۲۰ این موضوع را مقرر داشته « اثبات عدم وفای بعهد بعهد متعهد له است. »

خسارات حاصله

محاكم ایران تا قبل از تصویب آئین دادرسی مدنی نسبت به خسارات حاصله از عدم ایفاء تعهد بقانون تسریع محاکمات مصوب تیر ماه ۱۳۰۹ استناد مینمودند زیرا ماده ۲۷ قانون مزبور میگوید «در دعاوئی که موضوع آن استرداد عین بوده و مدعی مطابقه اجرة ائحل و یا خسارت ناشی از تنزل قیمت نماید و همچنین در مواردی که موضوع دعوی وجه نقد نیست محکمه میزان خسارت را پس از محاکمه رسیدگی و معین مینماید». این ماده شامل ضرر های وارده اعم از ضرر مثبت و عدم النفع است و جمله

خسارت ناشی از تنزل قیمت مبین یکی از مصادیق عدم النفع است. بنابراین نسبت بمصادیق دیگران شامل نبوده بعلاوه در مورد خسارات مربوط بعلائم تجارتي و اختراعات از ماده ۴۹ قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب تیر ماه ۱۳۱۰ استفاده مینمودند زیرا در آنجا هم ضرر های وارده و منافی که طرف از آن محروم شده تفکیکاً قید گردیده است و اغلب محاکم از باب تنقیح بناط و وحدت ملاک آنها شامل خسارات سایر موارد نیز میکردند. ماده مزبور چنین مقرر داشته است که «در مورد خساراتی که خواه از مجرای حقوقی و خواه از مجرای جزائی در دعاوی مربوطه با اختراعات و علائم تجارتي مطالبه میشود خسارات شامل ضرر های وارده و منافی خواهد بود که طرف از آن محروم شده است و همچنین از ماده ۲۶۱ قانون تجارت مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ در مورد خسارات ناشیه از عملیات و تقصیرات متصدیان حمل و نقل و نظائر و اشیاء آنها برای صدور حکم خسارات مستقیم و منافع محتمله استفاده مینمودند.

اما پس از وضع آئین دادرسی در تاریخ شهریور ماه ۱۳۱۸ تصریح کامل در این مورد بعمل آمد و ماده ۷۳۸ ضرر در مورد تعهدات را شامل از بین رفتن مال و فوت شدن منفعت هر دو قرار داده است.

شرائط مطالبه خسارت در حقوق فرانسه

خسارت اعم از ضرر مثبت وارده *damnum emergens* و یا عدم النفع *lucrum cesans* باید ترمیم و جبران شود ولی مبلغ تاوان نباید از میزان خسارت وارده زیادتر باشد و در صورتی که خسارت زیان معنوی و اخلاقی *dommage moral* باشد باید ارزش مادی خسارت وارده تعیین و میزان ضرر ارزیابی شود.

در بعضی موارد قانون حداکثری برای خسارت تعیین کرده است که محاکم نمیتوانند از آن تجاوز کنند مانند خسارت مربوط بتخلفات مهمانخانه ها و پانسیونها در مورد مسافرین و مهمانها و مؤسسات حمل و نقل در بعضی موارد. همچنین متعاقدین میتوانند ضمن قرارداد مسئولیت خود را بیک مبلغ معین قطع نمایند و این شرط ضمن العقد باید از طرف محاکم پذیرفته شود و این شرط غیر از شرط جزائی *Clause pénale* است که بطور صریح عواقب کیفری ناشی از تخلف را برای طرف متعهد مشخص میسازد.

شرائط مطالبه خسارت ناشی از عدم انجام تعهد و یا تأخیر در انجام آن بقرار

زیر است :

خسارات حاصله

۱ - سوء نیت *mauvaise foi* و یا قصور شدید مشابه با تدلیس متخلف محرز باشد و اگر با وجود حسن نیت عدم انجام تعهد ناشی از علتی بوده که دفع آن خارج از قدرت متعهد باشد خسارتی متوجه وی نخواهد بود. رویه قضائی فرانسه نشان میدهد که عنصر سوء نیت و یا اشتباه بزرگ و قصور شبیه بتدلیس عنصر اساسی برای توجه خسارت است چنانکه آراء زیر صادره از شعبه مدنی دیوان کشور دلیل این امر است.

رای ۱۰ نوامبر ۱۹۳۷ « قسمت اول صفحه ۲۶۳ مجموعه سیره‌ی « خسارت ناشی از تقصیری که فاقد سوء نیت و تدلیس باشد قابل مطالبه نیست ».

رای ۲ مارس ۱۹۳۷ « قسمت اول ص ۲۶۳ مجموعه سیره‌ی « خسارت ناشی از سوء نظر یا سوء نیت و یا اشتباه بزرگ شبیه بتدلیس باشد قابل مطالبه است ».

۲ - رابطه علیت و تسبیب *Causalité* بین تعهد و ضرر وارده وجود داشته باشد و این قاعده چه در تعهدات *obligations* و چه در مسئولیت های جزائی *responsabilités delictuelles* و چه در مسئولیت های مدنی لازم‌الرعایه است.

۳ - خسارت باید خسارت مستقیم *dommage direct* باشد نه خسارت غیر مستقیم

۴ - میزان خسارت باید پیش‌بینی شده یا قابل پیش‌بینی باشد و مسئولیتی درمورد خسارت پیش‌بینی نشده *dommage imprévu* متوجه متعهد نمی‌باشد و باید میزان خسارت ارزیابی شود چنانکه رای یازدهم ژانویه ۱۹۳۸ شعبه مدنی دیوان کشور مقرر داشته است که « میزان خسارت باید بطور دقیق و اساسی ارزیابی شود و اگر رای خسارت فاقد این صفت باشد محکوم بنقض است. »

۵ - خسارت باید مستقیماً و فوراً مطالبه شود و اگر مطالبه نشود نمیتواند مورد حکم قرار گیرد چنانکه رای ۵ دسامبر ۱۸۳۸ شعبه عرایض دیوان کشور و رای ۳ اوت ۱۸۹۱ شعبه مدنی دیوان مزبور حاکی ازین معنی است.

۶ - ضرر باید مسلم بوده و متوجه متعهد له گردد و ضرر احتمالی و عدم النفع قابل مطالبه نیست چنانکه آراء متعددی از محاکم پاریس و سن پواتیه درمورد غیر قابل بودن عدم النفع صادر شده و حکم فوریه ۱۹۰۵ شورای دولتی *Conseil d'Etat* خسارت احتمالی را که هنوز واقع نگشته قابل مطالبه ندانسته است.